

# بررسی مقایسه‌ای نگرش ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه به پرونده هسته‌ای ایران

نویسنده: سعید کریمی کشه \*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۳۰

۹۳

## چکیده

از زمانی که بحث هسته‌ای ایران در رسانه‌ها به صورت جدی مطرح شد؛ یعنی در نیمه دوم ۱۳۸۱ (نقطه آغاز بحران هسته‌ای ایران را باید ۱۴ اوت ۲۰۰۲ دانست که یکی از اعضای نفوذی مجاهدین خلق به نام علیرضا جعفرزاده ادعا نمود ایران در نطنز تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم و در اراک رآکتور آب سنگین ساخته است)، تا زمانی که پرونده هسته‌ای ایران در دستور کار شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت؛ یعنی خرداد ۱۳۸۲، دو حرکت موازی برای به فرجام رساندن پرونده هسته‌ای ایران نیز آغاز شد که هر یک متأثر از آرا و دیدگاه‌های طرفداران خود، دارای عناصری بود: حرکت نخست که سیاسی بود، بیشتر از جانب آمریکا و انگلیس دنبال شده و همچنان استمرار دارد؛ و حرکت دوم که حقوقی و مبتنی بر رایزنی‌های سیاسی وطنی است، از جانب ایران و گروه نم (عدم تعهد) و تا حدود ضعیفی روسیه و چین دنبال شده و این حرکت نیز همچنان استمرار دارد. این دو حرکت در چند سال گذشته فراز و فرودهایی داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد در حال حاضر حرکت سیاسی در حال پیرنگ‌تر شدن است.

واژگان کلیدی: پرونده هسته‌ای، رویکرد ایران، دیدگاه‌های آمریکا، دیدگاه‌های روسیه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

\* فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسراییل‌شناسی، سال چهاردهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۲، صص ۱۱۴-۹۳

پس از گزارش دبیرکل آژانس مبنی بر اینکه پرونده هسته‌ای ایران از لحاظ حقوقی هیچ مشکلی ندارد و شش مورد اختلاف در چارچوب مودالیتی بین ایران و آژانس برطرف گردیده است، پس از مدت کوتاهی شاهد صدور قطعنامه‌های چهارم، پنجم و ششم (۱۹۲۹، ۱۸۱۵، ۱۸۰۳) از سوی شورای امنیت سازمان ملل بودیم و در صدور قطعنامه‌ها روسیه و چین جانب حرکت اول را گرفته‌اند. البته از سال ۲۰۱۲ تاکنون شاهد انواع دیگر تحریم‌ها از جمله تحریم رسانه‌ای و دارویی نیز هستیم و این نشان می‌دهد پرونده هسته‌ای ایران کاملاً سیاسی است. حرکت سیاسی برای مقابله با فعالیت هسته‌ای ایران که موتور محرکه آن آمریکا و انگلیس در قالب ۵+۱ بوده‌اند، از حمایت برخی دولت‌های اروپایی نیز برخوردار بوده است. این حرکت دارای عناصر یا محورهای زیر است:

یک. بزرگ‌نمایی فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و القای انحراف آن به سمت ساخت سلاح هسته‌ای؛

دو. تلاش برای کم‌رنگ کردن نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛

سه. پررنگ کردن نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق معرفی فعالیت هسته‌ای ایران به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی؛

چهار. روی آوردن به اهرم‌های توسل به زور دو سطح وضع تحریم‌های یک‌جانبه و بین‌المللی، هم‌زمان با اعمال فشارهای سیاسی و تهدیدهای امنیتی برای بالابردن هزینه هسته‌ای شدن ایران؛ پنج. تحت فشار قرار دادن یوکیو آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برای ارایه گزارش‌های سیاسی؛

شش. تلاش برای یارگیری در سطح شورای حکام آژانس و شورای امنیت سازمان ملل متحد؛

هفت. خوشبین نبودن به راه‌حل‌های دیپلماتیک و تاکید بر افزایش فشارها به ایران.

طرفداران حرکت سیاسی با تکیه بر این عناصر، طی چند سال گذشته تلاش کردند با تشدید فشارها بر ایران، تهران را از ادامه فعالیت هسته‌ای منصرف ساخته یا در غیر این صورت به انزوا بکشانند. این در حالی است که یوکیو آمانو، مدیرکل آژانس، در گزارشی در اکتبر ۲۰۱۲

اعلام کرد: تعداد زیادی از دستگاه‌های هسته‌ای ایران زیر نظر آژانس فعالیت می‌کنند که تجزیه و تحلیل عملکرد آنها و نیز مواد هسته‌ای نشان می‌دهد از این تاسیسات برای اهداف صلح‌آمیز استفاده می‌شود. وی افزود: ما همچنین اعلام نکرده‌ایم که ایران درباره ساخت سلاح‌های هسته‌ای تصمیم گرفته است، ولی گفتیم اطلاعاتی مبنی بر دخیل بودن این کشور در فعالیت معطوف به ساخت دستگاه‌های انفجاری هسته‌ای در اختیار داریم. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اضافه کرد: ما از این اطلاعات نتیجه‌گیری نکرده و می‌خواهیم نمایندگان ایران با ما ملاقات کنند و این مساله را روشن نمایند. وی با تاکید بر اینکه می‌خواهیم با ایران همکاری بیشتری داشته باشیم، بیان کرد: آژانس درباره خطرناک بودن این فعالیت قضاوت نمی‌کند. ما باید دستگاه‌ها و مواد را کنترل کنیم. ما می‌خواهیم با تهران تعامل بیشتری داشته باشیم. بنابراین تلاش می‌شود در این نوشتار به نگرش دو قدرت بزرگ و اثرگذار در پرونده هسته‌ای ایران؛ یعنی ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه پرداخته شود.

## راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران

### یک. عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری

راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، تحت تاثیر دو دسته از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. عوامل سخت‌افزاری، مباحثی چون تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی به‌خصوص مساله هسته‌ای را شامل می‌شود و عوامل نرم‌افزاری به حقوق بشر و رویکرد (تقابل‌گر و تعامل‌گر) سیاست خارجی ایران مربوط می‌شود.

**تروریسم:** یکی از مسائلی که آمریکاییان از آن می‌ترسند و دولت اوباما به‌خوبی برای نیل به اهداف خود از آن استفاده می‌کند، مساله تروریسم است. این کشور به‌رغم اینکه دشمنی نمادین ندارد، ولی تروریسم می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین دشمن معرفی شود تا اوباما و دموکرات‌ها از آن به‌عنوان ابزاری برای توجیه ماندنشان در رأس قدرت و اعمال برنامه‌هایشان استفاده کنند. این حربه‌ای است که اوباما پس از انتخاب مجددش در نوامبر ۲۰۱۲ به‌طور پیوسته از آن استفاده کرده است.<sup>۱</sup>

سلاح‌های کشتار جمعی (پرونده هسته‌ای): آمریکایی‌ها از فعالیت‌های ایران برای دست‌یابی به فن‌آوری هسته‌ای، به‌شدت وحشت دارند. به‌رغم اینکه ایران بارها اعلام کرده است به‌دنبال دست‌یابی به سلاح‌های هسته‌ای نیست و مقاصد صلح‌جویانه را در این زمینه مدنظر قرار داده است، تداوم موضع آمریکا و اسرائیل با موضع‌گیری‌های انقلابی ایران در قبال این دو کشور، باعث شده است آنها با احتیاط و بی‌اطمینان نسبت به مواضع اعلامی مطرح شده از سوی مقامات جمهوری اسلامی نگاه کنند. از دیدگاه آمریکایی‌ها، دست‌یابی ایران به فن‌آوری غنی‌سازی اورانیوم مقدمه‌ای برای تولید سلاح‌های هسته‌ای برای تحقق آرزویی مبنی بر تغییر و نظام موجود بین‌المللی محسوب می‌شود و آنان توان بالابردن درصد اورانیوم غنی شده را زمینه‌ای برای استفاده ایران از آن در امور نظامی می‌دانند، از این‌رو موضوع جلوگیری از دست‌یابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای، یکی از محورهای سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه است. با عنایت به روی کار آمدن اوباما، این فشار نیز افزایش یافت.

حقوق بشر و دموکراسی، عوامل نرم‌افزاری توجیه‌کننده سیاست خارجی آمریکا در مورد ایران هستند. با توجه به عکس‌العمل ایران، به‌نظر می‌رسد آمریکا توانسته است از هر دو عامل به‌خوبی به نفع خود استفاده کند.

**حقوق بشر:** در جهان امروز، آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت سعی می‌کند با استفاده از حقوق بشر، نظر مردم را به طرف خودش جلب کند. البته باید توجه نمود که حقوق بشر از الزامات دموکراسی و یکی از لوازم زندگی سیاسی جهانی است. آمریکا با اتصاف خود به‌عنوان عامل محرکه دموکراسی، سعی دارد از این موضوع به‌نفع خود استفاده کند.

**دموکراسی:** یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آمریکا در تبلیغ دموکراسی این است که از ایدئولوژیک شدن سیاست‌ها جلوگیری می‌کند و هر جا که دموکراسی وجود داشته باشد، به‌یقین سیاست‌های ایدئولوژیک وجود نخواهد داشت.

آمریکا در برخورد با ایران از هر چهار عاملی که بحث شد، به‌صورت هم‌زمان استفاده می‌کند و مادر تمامی موارد پرونده داریم.<sup>۲</sup>

مساله برخورد با ایران به یکی از چالش‌های سیاست خارجی ایالات متحده در ربع قرن اخیر

### دیپلماسی هسته‌ای آمریکا در قبال ایران

تبدیل شده است و به نظر می‌رسد که ایران مهم‌ترین مساله سیاست خارجی آمریکا شده باشد. از دید آمریکا، ایران کشوری اسلامی است که ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کند، مخالف روند صلح اعراب و اسراییل است، حامی تروریسم بوده و خواهان دستیابی به تسلیحات هسته‌ای می‌باشد. در این راستا، سیاست تحدید نفوذ به بنیان سیاست ایالات متحده در قبال ایران تبدیل شده است. این سیاست در دوران باراک اوباما نیز همچنان ادامه دارد و زمینه‌ساز تحریم‌های اقتصادی گسترده شده است. این مورد در زمینه گفت‌وگوهای هسته‌ای بین ایران و ۵+۱ کاملاً مشهود است.<sup>۳</sup>

ایالات متحده بعد از کشاندن مساله هسته‌ای ایران به شورای امنیت و متعاقب آن انواع گوناگون تحریم‌ها تاکنون، آیا قصد براندازی یا تغییر رفتار حکومت ایران را دارد یا خیر؟ در این رابطه دو جبهه در ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران و به خصوص برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد. سیاست تغییر رژیم ایران در عرصه نظری بیشتر در معاونت سیاسی پنتاگون و دفتر برنامه‌ریزی‌های ویژه وزارت دفاع متمرکز است و در عرصه عملی از جانب وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا مطرح است. گفتنی است که ایده «تغییر رفتار ایران» از رؤسای جمهور قبل و بعد آن تاکنون ادامه داشته است و چیز جدیدی نیز نیست.<sup>۴</sup>

این مهم از سوی روسای جمهور سابق آمریکا نظیر: کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، و بوش پسر دنبال شده است. اما سیاست تغییر رژیم در حال حاضر از سوی دموکرات‌های شاغل در دوایر تنظیم راهبرد امنیت ملی دولت اوباما دنبال می‌گردد. ایالات متحده از مدل سیاسی دیپلماتیک (دیپلماسی کنفرانس) یعنی فشار آوردن دیپلماتیک بر کشورهای اروپایی و روسیه، چین و ژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تغییر رفتار ایران بهره می‌گیرد. دولت اوباما و حتی کشورهای ۵+۱ هم با استناد به همین مساله قبل از ارایه پاسخ رسمی ایران به بسته پیشنهادی، اقدامات بعدی را آغاز کرده‌اند. یکی از آنها شروع به روند سازمان‌دهی تحریم‌ها علیه ایران توسط اوباما می‌باشد. به نظر نمی‌رسد در آمریکا کسی حملات نظامی را راه‌حل دایم یا خوب بداند. کسانی که گزینه نظامی را در نظر می‌گیرند، امیدوارند توانایی هسته‌ای ایران را به تأخیر بیندازند

و زمان بیشتری بخرند تا تغییر سیاسی در کشور رخ دهد. برای آنان، مشکل واقعی ماهیت حکومت تهران است، نه بمب هسته‌ای در اختیار ایران. از این رو، گزینه نظامی احتمالاً با شعار سیاست تغییر حکومت همراه خواهد شد. بلا تکلیفی در مورد سیاست آمریکا در قبال ایران از این امر روشن می‌شود که هیلاری کلینتون، وزیر خارجه اسبق، در هفته‌های نخست وزارت از دادن پاسخ روشن به این پرسش که آیا تغییر حکومت ایران هدف سیاست آمریکا شده است؟ خودداری کرد. در حالی که مقامی دیگر موضع سنتی وزارت خارجه آمریکا را در مورد اینکه تغییر حکومت هدف نیست، اعلام کرد. پرهیز از اعلام موضعی روشن ممکن است به علت حضور نیروهایی در دولت و کنگره باشد که می‌خواهند سیاست آمریکا را بر تغییر حکومت مسالمت‌آمیز متمرکز کنند. شاید اگر هدف تغییر حکومت شود، روکردن به مجاهدین خلق برای بی‌ثبات کردن ایران طرفدار پیدا کند؛ که در حال حاضر از سوی آمریکا از فهرست گروه‌های تروریستی خارج شده است.<sup>۵</sup> ایالات متحده همواره نگرانی زیادی به خاطر مقاصد ایران در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای داشته و به‌ویژه نگران کمک‌های روسیه برای ساخت رآکتور هسته‌ای در بوشهر بوده است. به‌رغم تلاش آمریکا برای تحریم‌های بین‌المللی در زمینه همکاری هسته‌ای، کارشناسان غربی تاکید می‌کنند ایران توانسته کمک‌های مهمی را برای کسب فن‌آوری غنی‌سازی اورانیوم از کشورهای همچون پاکستان، روسیه و چین کسب کند.<sup>۶</sup> کارشناسان آمریکایی به‌ویژه بر عدم توجیه اقتصادی برنامه هسته‌ای ایران تاکید دارند، به این خاطر استدلال می‌کنند که قصد ایران پی‌گیری برنامه‌های تسلیحاتی است. درحالی که در این باره باید به این مساله نیز توجه نمود که ایران هنوز در تحریم است و در بسیاری از موارد به‌راحتی به بازار آزاد دسترسی ندارد. به این خاطر برای پیشبرد پروژه‌های خود با مشکلات اجرایی متعددی روبه‌رو است و در مواردی حتی هزینه‌های بیشتری صرف می‌کند. از طرف دیگر، به‌طور مسلم اجرای پروژه‌هایی در زمینه چرخه سوخت هسته‌ای در داخل کشور با تکیه بر امکانات داخلی، هزینه تمام شده کمتری را در پی دارد و حتی از هزینه پروژه مشترک با کشورهای صنعتی به‌خصوص از نوع «کلید در دست» کمتر است. در این رابطه به‌ویژه باید تاکید کرد که ایران هنوز تضمین لازم برای تامین نیازهای هسته‌ای را از کشورهای اروپایی دریافت نکرده است.

این مساله هر کشوری را مجبور به انتخاب گزینه خودکفایی می‌نماید. مقام‌های آمریکایی تاکید می‌کنند به‌رغم تمام سخنان آشتی‌جویانه، مقام‌های ایرانی درباره حدود برنامه هسته‌ای ایران صادق نبوده‌اند، به‌ویژه که اقدامات و عملکرد آنها را با عملکرد دولت سابق لیبی در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مقایسه می‌کنند. این مقام‌ها تصریح می‌کنند ایران تا زمانی که توسط گزارش‌های آژانس مجبور نشد، درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود حقیقت را نگفت و حتی بعد از آن توضیح روشنی درباره چگونگی توانایی ایران برای گسترش برنامه‌های غنی‌سازی اش ارایه نکرد. پادمان معاهده منع گسترش هسته‌ای، به‌منظور تضمین غیرنظامی بودن مواد و تجهیزات اتمی کشورها تاسیس شد. به این خاطر کوتاهی کشورها در ارایه اطلاعات در این زمینه اهمیت بسیار زیادی دارد. ایران تاکید می‌کند کوتاهی اعلام شده در گزارش‌های ایران بسیار جزئی است. اما کارشناسان آمریکایی استدلال می‌کنند چنین گزارشی به‌خاطر مساله برنامه تسلیحاتی اتمی از زمانی که تنها مرتبط با مواد و تجهیزات اتمی صرف باشد، با اهمیت‌تر است، به‌خصوص که این رویه می‌تواند الگویی برای فریب‌کاری دیگر کشورها باشد. طبق گزارش‌های آژانس، ایران از دو روش جداگانه برای غنی‌سازی اورانیوم بهره گرفته است و به جداسازی پلوتونیوم می‌پردازد که این مساله به‌خاطر نزدیک شدن ایران از نظر فن‌آوری به ساخت سلاح‌های هسته‌ای اهمیت زیادی دارد. آمریکا تاکید می‌کند نمی‌توان در این مورد تنها به رویه‌های عادی بین‌المللی بسنده کرد، درحالی که بعضی از اعضای شورای حکام آژانس معتقدند با اعمال پروتکل الحاقی و بازرسی‌های دقیق آن می‌توان از متوقف شدن مقاصد تسلیحات هسته‌ای ایران مطمئن شد.

دو مساله کسب پرستیژ و ایجاد بازدارندگی از عوامل قدرتمندی است که در حکومت‌های ایران چه در گذشته و چه در امروز توانسته‌اند بر اساس آن به قدرت سیاسی خود بیفزایند. مساله بااهمیت در برنامه هسته‌ای ایران این است که از دید آمریکا و اسرائیل، ایران مشغول تحقیق، آزمایش و تولید سلاح هسته‌ای است. با این حال و با وجودی که این دو کشور سال‌ها بر چنین مساله‌ای تاکید داشته‌اند، نتوانسته‌اند مدرک قابل قبولی ارایه کنند. نمونه بارز آن سخنان نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، در ۲۰۱۲ در مجمع عمومی سازمان ملل بود که با دردست داشتن تصویری

از یک بمب می‌خواست جهانیان را متقاعد کند که ایران به بمب هسته‌ای دست یافته است. یک تئوری آنها این است که عبدالقدیرخان، پدر بمب اتمی پاکستان، و شبکه‌اش که از دید آمریکا تامین‌کننده و حامی برنامه ساخت سانتریفیوژ در ایران و لیبی بودند، در طراحی و اجرای برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران به این کشور کمک کرده‌اند. به‌رغم رد این مساله توسط پاکستان و ایران، آمریکا با استفاده از اسناد و طرح‌های تسلیحاتی دولت سرنگون شده قذافی که نشان می‌داد عبدالقدیرخان نقش مهمی در تامین تجهیزات و وسایل مورد نیاز این کشور داشته، بیان می‌کند شاید این شخص درباره ایران نیز چنین نقشی را ایفاء کرده باشد. اسناد لیبی همچنین به آزمایش کلاهک‌های هسته‌ای اشاره می‌کند که از چین خریداری شده و پاکستان نیز در اوایل دهه ۸۰ آن را تهیه کرده بود. از نظر کارشناسان آمریکایی این کلاهک‌ها برای، موشک شهاب ۳ ایران مناسب است. بر این اساس اگر ایران به چنین اطلاعاتی دست یافته باشد، توانسته است کلاهک‌های هسته‌ای قابل حمل بسازد و در این صورت، ایران تاکنون تحقیقات ضروری برای ساخت کلاهک هسته‌ای را به پایان رسانده و اکنون در حال تکمیل آن است و شاید حتی اجزای حیاتی چنین کلاهکی را نگهداری می‌کند.<sup>۷</sup> با وجودی که بازرسی‌های آژانس از سایت‌ها و تجهیزات ایران برای کشف برنامه‌های تسلیحاتی هسته‌ای هیچ مورد مبهمی را نشان نمی‌دهد، آژانس بر بازرسی مرتب چندین سایت در ایران که مشکوک به پی‌گیری چنین برنامه‌هایی هستند، تاکید دارند. یکی از این سایت‌ها، سایت لویزان است که مورد تاکید کارشناسان آمریکایی نیز قرار دارد.

یکی دیگر از سیاست‌های آمریکا برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، نظریه «برچیدن» است که مقام‌های آمریکایی به‌ویژه برای توجیه حمله آمریکا به عراق آن را استفاده و مطرح کرده‌اند. بعضی از کارشناسان آمریکایی اینک درباره استفاده از این نظریه درباره ایران سخن گفته‌اند. از نظر مایکل آیزنشتات، در این شرایط آمریکا لازم است قابلیت‌های خود را برای برچیدن برنامه هسته‌ای ایران ارتقا دهد و در واقع شرایطی برای آن ایجاد کند تا ایران همانند لیبی (در حال حاضر حکومت قذافی در لیبی سرنگون گردیده است)، داوطلبانه برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد. آنها تاکید می‌کنند که از دید «رهنامه برچیدن» جلوگیری از ظهور ایران هسته‌ای باید یکی از اهداف کلیدی سیاست آمریکا باشد. به این خاطر باید روش‌های زیر را در پیش گرفت:

– کارشکنی: آمریکا برای اخلال در تلاش‌های هسته‌ای ایران، باید جلوگیری از انتقال فن‌آوری هسته‌ای، تلاش‌های دیپلماتیک برای به تعلیق درآوردن فعالیت‌های هسته‌ای و احتمالاً اقدامات پیش‌گیرانه همچون عملیات مخفی و عملیات آشکار نظامی را مدنظر قرار دهد.

– ممانعت و محاصره: آمریکا باید ساخت بمب اتمی را برای ایران بی‌فایده کند. برای این مهم باید ساخت و توسعه تجهیزات مقابله با ابزار پرتاب و به‌کارگیری بمب هسته‌ای را توسعه دهد و با سامان‌دهی تلاش‌های چندجانبه به لحاظ نظامی ایران را محاصره کند.

– برچیدن: سرانجام اینکه، آمریکا باید شرایط را برای برچیدن برنامه هسته‌ای ایران فراهم کند که در محاسبه سود و زیان دست کشیدن از برنامه هسته‌ای برایش سودمند به‌نظر برسد.<sup>۸</sup> از دید آیزنشتات، همه این روش‌ها باید با هم اعمال شود: کارشکنی وقت لازم را برای توسعه فنی و تجهیزات مقابله با به‌کارگیری بمب هسته‌ای از سوی ایران فراهم می‌کند. ممانعت و محاصره ایران نیز به‌لحاظ داخلی، شرایطی را ایجاد می‌کند که ایرانیان داشتن سلاح‌های هسته‌ای را غیرمفید و زیان‌بار تلقی کنند و در این زمینه، جامعه بین‌المللی برای مجاب کردن ایرانیان به اینکه کسب قدرت اتمی با تضعیف موقعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی آنان بیش از اینکه موجب تقویت ایران شود موجب تضعیف آن خواهد شد، از هیچ کوششی فروگذار نکند.<sup>۹</sup>

دیگر صاحب‌نظران آمریکایی نیز معتقد به انتخاب گزینه‌هایی به‌جز حمله نظامی به ایران هستند. از جمله جفری کمپ معتقد است: «تئوری ایالات متحده در نهایت می‌تواند فرایند مسلح شدن ایران را از طریق حمله هوایی، اشغال سرزمینی یا به‌واسطه نوعی از عملیات پیچیده و مخفی متوقف سازد، اما رهیافت دیگری نیز وجود دارد.» بعقیده وی «به هر صورت معامله و مذاکره با ایران میسرتر است. احتمال موفقیت اقدام نظامی یک‌جانبه بسیار کم است، درحالی که حل این مشکل نیاز به زمان دارد.» وی تاکید می‌کند آمریکا در هر صورت نیاز به ائتلافی با حضور دیگر کشورهای جهان، به‌ویژه روسیه دارد تا بتواند به راه‌حل منطقی این مساله دست یابد. به استدلال کمپ، حمله نظامی باید آخرین راه‌حل ممکن باشد؛ زیرا این حمله برای آمریکا هزینه‌های سیاسی سنگینی دارد و علاوه بر اینکه ممکن است به مساله هسته‌ای ایران پایان دهد، باعث می‌شود ایران از تعهدات خود در قالب موافقت‌نامه‌های منع گسترش منصرف شود.

هرچند ابزار دیپلماتیک ممکن است به کندی عمل کند و فرایند پیچیده‌ای را طی نماید، از پی‌گیری ابزار نظامی مناسب‌تر است. مساله حمله هوایی به تاسیسات هسته‌ای ایران از جمله گزینه‌هایی است که مورد توجه بسیاری از سیاست‌مداران آمریکایی قرار دارد و حتی بعضی از مقام‌های نظامی آمریکا اعلام کرده‌اند که در حال بررسی انجام چنین حملاتی هستند. پتانسیل انتخاب حمله نظامی احتمالی آمریکا، شامل کاربرد حمله هوایی علیه تاسیسات هسته‌ای و موشکی ایران است. به‌طور کلی، دو گونه از تجهیزات هسته‌ای در ایران مدنظر است: نخستین هدف حمله هوایی، احتمالاً نیروگاه هزارمگاواتی هسته‌ای بوشهر است؛ چرا که به‌عقیده کارشناسان تسلیحاتی غربی سوخت مصرفی این تجهیزات می‌تواند ۵۰ تا ۷۰ بمب تولید کند. احتمال دیگر آن است که شاید علاوه بر بوشهر، تاسیسات هسته‌ای غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و آب‌سنگین در اراک مورد حمله هوایی قرار گیرد. اکثر کارشناسان آمریکایی معتقدند به‌رغم پیش‌بینی‌های تندروانه، ایران به احتمال زیاد الگوی همکاری تاکتیکی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را ادامه خواهد داد و در ضمن تلاش خواهد کرد چشم‌اندازهای برنامه هسته‌ای خود را برای حفظ انتخاب‌هایش پنهان سازد. این کارشناسان معتقدند: آمریکا باید برای مسائلی چون ثبات منطقه‌ای، منصرف کردن ایران از ادامه برنامه ساخت سلاح هسته‌ای، حفظ میزان عرصه انرژی در حد قابل اعتماد، کاهش تهدید تروریسم و رفع کمبود دموکراسی در خاورمیانه با ایران وارد مذاکره شود. در این بین، مساله گسترش برنامه هسته‌ای ایران برای آمریکا مهم‌ترین و فوری‌ترین مساله است. عدم علاقه آمریکا به مذاکره با ایران از دید کارشناسان، منافع آمریکا را در بلندمدت تهدید خواهد کرد، به این خاطر ایالات متحده ضمن داشتن هماهنگی نزدیک با متحدان اروپایی و روسیه باید به منظور زیر نظر داشتن برنامه هسته‌ای ایران، سیاست راهبردی متمرکزتری را به کار گیرد.<sup>۱۰</sup>

### دلایل رد ادعاهای آمریکا در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران

این ادعا که رآکتورهای هسته‌ای بوشهر تهدیدی برای گسترش تسلیحات هسته‌ای به‌شمار می‌رود کاملاً دروغ است؛ زیرا برای رد این موضوع چندین دلیل تکنیکی و نهادی وجود دارد:

یک راکتور ایران نوعی پلوتونیوم را تولید می‌کند که برای ساخت بمب‌های هسته‌ای مناسب نیست؛ دو دست‌کاری پین‌های میله‌ای سوخت مصرف شده در راکتور ایران برای تولید تسلیحات هسته‌ای بسیار خطرناک است؛

سه. شرکای روس ایران در پروژه بوشهر عنوان کرده‌اند که پین‌های سوخت مصرف شده باید به روسیه برگردانده شود، همان‌طور که در رابطه با کشورهای دیگر چنین عمل شده است. در این رابطه با نیروگاه هسته‌ای بوشهر، باید گفت که هر نوع تغییر کاربردی سوخت هسته‌ای آشکار خواهد بود؛ زیرا خاموش شدن و از کار افتادن راکتور بلافاصله مشخص می‌شود؛

چهار. هر نوع تلاشی برای استفاده از این سوخت در بمب‌های هسته‌ای قابل شناسایی خواهد بود.<sup>۱۱</sup>

۱۰۳

### دیدگاه جدید دولت اواما به پرونده هسته‌ای ایران

اواما بسیار هوشمندانه در پی آن است که به یک اجماع‌سازی بین‌المللی در لایه‌های گوناگون علیه ایران دست یابد. تیم اواما به‌خوبی واقف است که فشارهای کنترل نشده بر ایران می‌تواند از تهدید ایران خارج و به فرصتی در راستای مانور سیاسی و امنیتی ایران در منطقه نهارتلند (فلات ایران، خلیج فارس و جنوب عراق) تبدیل شود.<sup>۱۲</sup> آمریکایی‌ها در پی آنند که زمینه‌ساز ایجاد این اجماع بین‌المللی با مدیریت اعمال فشار بر ایران شوند. از این‌رو تلاش کردند هم از رویکرد رادیکالانه اسرائیل و نومحافظه‌کاران آمریکایی که در آستانه انتخابات ۲۰۱۲ نیازمند اعمال سیاست‌های تخریبی علیه اواما بود، جلوگیری کنند و هم زمینه‌ساز اعمال تحریم فلج‌کننده متراکم علیه ایران باشند. از این‌رو اواما از یک سو اسرائیل را از اقدام نظامی احتمالی علیه ایران باز می‌دارد، و از سوی دیگر، با در نظر داشتن پرونده هسته‌ای ایران در پس ایجاد یک رهنگاشت یا نقشه راه فضاسازی مثبت در مسیر تحریم‌های فلج‌کننده متراکم است. از این‌رو پرونده هسته‌ای ایران به‌عنوان هارت کور یا مرکزیت اصلی در راستای این معنا کاربرد دارد و کمربند این مرکزیت اصلی طرح مساله حقوق بشر در ایران است. از این‌رو باید پذیرفت پرونده هسته‌ای ایران بهترین بهانه را به تیم اواما داده است که اجماع جهانی و منطقه‌ای را در گستره بین‌المللی علیه

ایران فراهم سازد. اینکه آیا ایران از مسیر قوانین ناظر بر ان.بی.تی. و دیگر قوانین دست‌یابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز خارج شده است یا نه، بحثی حقوقی است که در جای آن باید از منظر واقع‌بینانه به آن نگریست. اما این واقعیت‌نگری است که از بعد از روی کار آمدن اوباما پرونده هسته‌ای به‌عنوان مرکزیت اجماع‌بخش ایرانیان مطرح نیست، بلکه به‌عنوان مرکزیت اجماع‌بخش علیه ایران مطرح شده است و این را می‌توان یکی از دستاوردهای اوباما دانست که حالا می‌خواهد از این دستاورد بهره‌برداری بهینه در راستای اعمال فشار بیشتر بر ایران داشته باشد. در این فضا باید گفت پرونده هسته‌ای بهترین بهانه برای این منظور است. آنچه اهمیت دارد، آن است که در دو مرتبه پیش که بازرسان آژانس به ایران آمدند، اجازه نداشتند پارچین را ببینند و در این فضا آنها سعی کردند اقدامات امنیتی مبنی بر فعالیت مشکوک در پارچین که از سوی ماهواره‌های جاسوسی مخابره شده بود را مورد بهره‌برداری علیه ایران قرار دهند. در حالی که سناریوی اصلی این است که حتی اگر بازرسان به پارچین بروند هم به سندی مبنی بر فعالیت ایران برای دست‌یابی به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهند کرد، اما پیش از آن فضای رسانه‌ای برای قبول ادعای آنها فراهم شده و در این مدت فرصت ایجاد شده که ایران پنهان‌کاری کند و از این طریق بر باور عمومی بین‌المللی تاثیر بگذارند که ایران را محکوم به ساخت سلاح هسته‌ای کنند و در این مسیر هم تبلیغات غرب به کمک آنها خواهد آمد. بی‌تردید گره اصلی اصطکاک پرونده ایران در نپذیرفتن ایران برای توقف غنی‌سازی هسته‌ای در کشور، که ما این موضوع را حق مسلم و ملی خود می‌دانیم، در این جاست که آمریکا یا باید ایران را در کلوپ هسته‌ای بپذیرد که به واسطه خصومت‌هایی که با ایران دارد و رویکرد دولت اوباما به نظر می‌رسد قصد چنین کاری را ندارد یا باید ایران از قواعد خود عدول کند که این موضوع کاملاً بعید است. بر اساس این علایم، آینده پرونده هسته‌ای در ابهام است و فراز و نشیب‌هایی خوش‌بینانه و بدبینانه‌ای بروز پیدا می‌کند که در نهایت برآیند بین‌المللی همه این فراز و فرودها محدود شدن دست‌یابی به راه‌حل طبیعی از راه مذاکرات آشکار برای پرونده هسته‌ای ایران خواهد بود و هرچند غرب تمام تلاش خود را برای هم‌سو شدن افکار عمومی بین‌المللی به نفع خود به کار می‌گیرد، این موضوع هم برای ایران و هم مردم منطقه در نگاه بین‌المللی کاملاً واضح است که غرب تمام تلاش خود را برای فعالیت

صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به کار گرفته؛ موضوعی که تا امروز کمترین موفقیتی در این راه حاصل نکرده است.<sup>۱۳</sup>

این درحالی است که رییس‌جمهور اوپاما در ۲۵ آبان ۱۳۹۱ با تاکید بر راه‌حل دیپلماتیک برای موضوع هسته‌ای ایران گفت: باید راه‌حلی باشد تا ایران بتواند از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز بهره‌مند شود و همچنین ضمانت دهد که به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست. باراک اوپاما در اولین نشست خبری خود پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران گفت: من به دنبال اتخاذ راه‌حل‌های دیپلماتیک برای موضوع هسته‌ای ایران هستم. وی افزود: باید راه‌حلی باشد تا ایران بتواند از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز بهره‌مند شود و همچنین ضمانت دهد که به دنبال تسلیحات هسته‌ای نیست.<sup>۱۴</sup>

### سیاست خارجی ایران و روسیه در قبال یکدیگر

در بسیاری از زمینه‌ها، روابط دو کشور ایران و روسیه وابسته به ارزیابی نخبگان روسیه است که آیا این نزدیکی جنبه تاکتیکی داشته و یا به منزله آغازی برای ایجاد نیروی جغرافیایی - سیاسی جدید در منطقه می‌باشد؟ کارایی و مؤثر بودن این روابط تاثیر خود را روی روابط و راهبردهای کوتاه‌مدت و یا بلندمدت در آینده خواهد گذاشت. جالب توجه اینکه، ایران مایل به برقراری روابط همه‌جانبه با روسیه است؛ زیرا با کمک روسیه، این کشور امیدوار است بتواند موقعیت منطقه‌ای و همچنین پتانسیل‌های خود را ارتقا بخشد. روسیه با مشارکت در چندین پروژه مهم و بزرگ صنعتی سابقه مطلوبی از این گونه همکاری‌ها در مناسبات دو کشور ایجاد کرده است. طرح تکمیلی نیروگاه بوشهر و همکاری در بسیاری زمینه‌های فنی دیگر، بر اساس همین سابقه و با اتکال به همین ذهنیت و اثراتی که بر توسعه مناسبات فی‌مابین داشته، صورت می‌گیرد. این امر مستلزم برنامه‌ریزی دو کشور براساس منافع متقابل به هم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد.<sup>۱۵</sup> برنامه هسته‌ای ایران از دیدگاه روسیه دربرگیرنده جنبه‌های راهبردی، فن‌آوری و اقتصادی است و چارچوب روابط روسیه با ایران و به‌عنوان وجه خاص آن تعریف می‌شود، محورهای این روابط عبارتند از:

- تعامل با ایران در دریای خزر، توافق در مورد نظام حقوقی این دریا از اهداف کلیدی روسیه است؛

- جلب حمایت ایران از سیاست‌های روسیه (و یا حداقل عدم مخالفت با سیاست‌های آن کشور) در منطقه، به‌ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز، این امر در قفقاز شمالی و چچن از اهمیت خاصی برخوردار است؛

- جلب همکاری ایران برای همکاری‌های مهم راهبردی مانند شاه‌راه شمال-جنوب که دسترسی روسیه را به خلیج فارس و از طریق آن به شبه‌قاره هند میسر می‌سازد؛

- بهره‌گیری از تقاضاهای ایران جهت دستیابی به فن‌آوری پیشرفته هسته‌ای با توجه به تحریم‌های آمریکا و غرب؛

- استفاده از ایران به‌عنوان یک اهرم و ابزار مهم چانه‌زنی راهبردی در دیپلماسی عمل‌گرای روسیه در قبال آمریکا و غرب.

همکاری هسته‌ای روسیه با ایران علاوه بر منافع سرشار اقتصادی، جایگاه مهمی به آن کشور در سیاست بین‌المللی بخشیده است. روسیه به‌خوبی درک می‌کند که تکمیل پروژه نیروگاه بوشهر تا چه حد برای ایران اهمیت دارد و چگونه می‌تواند برکل روابط آتی آن کشور با ایران اثرگذار باشد. ولی بنا به ملاحظاتی، این کشور سعی دارد به اصطلاح «کژدار و مریز» این مورد را دنبال کند.<sup>۱۶</sup>

### الف. زمینه‌های همکاری ایران و روسیه

یک. مواجهه با خطر پان ترکیسم در آسیای میانه؛

دو. بازارهای تسلیحاتی و اقتصادی که طرفین فراروی یکدیگر دارند و از هم نفع می‌برند؛

سه. ضرورت یک نظام امنیتی چندجانبه با شرکت همه کشورهای مهم منطقه از جمله ایران؛

چهار. ایران بهترین راه دسترسی روسیه به خلیج فارس است. این راه از نظر اقتصادی هم

برای روسیه و هم برای ایران منافع اقتصادی و تجاری متعددی دارد.

## ب. زمینه‌های همکاری اقتصادی در سطح جهانی

- یک. نیازهای دفاعی و تسلیحاتی ایران؛
- دو. استفاده از ایران به‌عنوان اهرم فشار؛
- سه. ایجاد یک اتحادیه راهبردی با مشارکت هند و چین؛
- چهار. تغییر ساختار اقتصادی دو کشور؛
- پنج. گسترش ناتو به سوی شرق؛
- شش. نقش ژئواستراتژیک ایران؛
- هفت. دست‌یابی به فن‌آوری تحریمی غرب (فن‌آوری هسته‌ای)؛ و
- هشت. تهدیدهای متفاوت علیه ایران و روسیه.

پس از انقلاب اسلامی ایران و سپس فروپاشی شوروی، نوعی هم‌گرایی اجباری بین ایران و روسیه در مقابل تهدیدهای خطرناک احتمالی غرب به‌وجود آمده است. در این اقدام مشترک، هر دو کشور درصدد بازتعریف خود و یافتن جایگاهی مناسب در عرصه بین‌المللی بوده‌اند. پایداری ایدئولوژیک ایران در مقابل تهدیدهای خارجی، در مقابل عمل‌گرایی مقطعی روسیه، در حوزه همکاری‌ها، نشان داد که روسیه با وجود سیاست اعلانی همکاری راهبردی با ایران از لحاظ اعمالی، مناسبات خود را به مقتضای نیازهای تاکتیکی سامان می‌دهد. با بهره‌گیری از روابط سرد ایران و غرب، روسیه درصدد القای این ذهنیت غلط به ایران است که همکاری با این کشور نتواند سیاسی نامطلوب را برای آن کشور ایجاد کرده است.<sup>۱۷</sup>

### نگرش روسیه به پرونده هسته‌ای ایران از حالت بازی با آن تا رای مثبت به قطعنامه علیه ایران

موضع انعطاف‌ناپذیر واشنگتن در قبال پرونده هسته‌ای ایران نه تنها چشم‌انداز نیل به هرگونه توافق را تیره ساخته، بلکه با اعمال فشار به دیگر بازیگران صحنه، مواضع آنان را به خود نزدیک‌تر کرده است. نقش و موضع روسیه دارای ماهیتی کاملاً متفاوت است. مسکو از یک‌سو به‌مثابه شریک هسته‌ای ایران ضمن ابراز علاقه به تداوم همکاری‌ها، از موضع ایران به‌ویژه در اظهارات مقامات خود حمایت می‌کند، و از سوی دیگر در محافل رسمی و غیررسمی به‌ویژه نشست‌های

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با استناد به تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی، قطعنامه‌های صادره علیه ایران را امضاء می‌کند و چنین موقعیتی موجب شد تا برخلاف واشنگتن، موضع مسکو مبهم، دوپهلوی و غیرقابل پیش‌بینی ارزیابی گردد.<sup>۱۸</sup>

برخلاف غرب که سیاست تحریم و انزوای ایران را اتخاذ کرد، روسیه با اتخاذ رویکرد جلب مشارکت و همکاری ایران، توانست بر بسیاری از مشکلات منطقه‌ای خود فایق آید. در این چارچوب است که «رقابت راهبردی» بر سر ایران معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بدین ترتیب است که روسیه «ثبات راهبردی» را در گرو روابط با غرب و حفظ ایران در حوزه «رقابت راهبردی غرب» تعریف کرده است. حسن‌ظن و یقین لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، به اهداف برنامه هسته‌ای ایران با اظهارات نسبتاً تند ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، فاصله دارد. در روسیه برداشت مشترکی نسبت به اهداف هسته‌ای ایران وجود ندارد. پوتین رئیس‌جمهور روسیه به‌طور روزافزون نگران آثاری است که از ناحیه ایران هسته‌ای متوجه روسیه خواهد بود. به گفته یکی از تحلیل‌گران روسی، پوتین از یک‌سو مایل نیست ایران صاحب سلاح هسته‌ای شود؛ زیرا این امر می‌تواند به تهدیدی علیه روسیه و گسترش سلاح هسته‌ای در منطقه خاورمیانه به‌ویژه نزد دولت‌هایی که دارای تخصیص بیشتری با مسکو هستند منجر شود. از سوی دیگر، پوتین درحالی که می‌داند احداث نیروگاه بوشهر می‌تواند در دستیابی به سلاح هسته‌ای به ایران کمک کند اما مایل به توقف آن نیست؛ زیرا انجام چنین کاری به منزله تسلیم مسکو در مقابل فشار آمریکاست. به‌علاوه، دست‌اندرکاران صنایع هسته‌ای روسیه و آنهایی که مایل به ادامه کار با ایران هستند، معتقدند اگر روسیه کار در نیروگاه بوشهر را متوقف کند، آمریکا یا دیگر شرکت‌های غربی نسبت به تکمیل نیروگاه اقدام خواهند کرد. دولت پوتین دو هدف عمده را دنبال می‌کند: یکی تخریب توان هسته‌ای ایران و دیگری تخریب هرچه بیشتر روابط ایران و آمریکا. از سوی دیگر، روسیه در پی آن است که در قبال دریافت مبالغ هنگفت دیگری، نیروگاه بوشهر را برای ایران بازسازی کند و این پروژه سال‌ها به طول خواهد انجامید. دولت روسیه با عنایت به اینکه ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت شرایط را برای مسکو دشوار کرده است، تلاش می‌کند در مدیریت بحران هسته‌ای ایران مشارکت نماید. حمایت از مذاکرات ایران و ۱+۵ ارایه

برخی طرح‌ها و پیشنهادهای و اصرار بر تضمین همکاری‌ها از طریق انعقاد قرارداد تکمیلی بازگشت سوخت مصرف شده از جمله راه‌کارهای روسیه است. به طور طبیعی، ابزارهایی نظیر عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد، گروه هشت و برخورداری از روابط سیاسی مناسب با تهران، برای اعمال مدیریت در بحران هسته‌ای به روسیه کمک خواهند کرد. حمایت از مذاکرات ایران و ۵+۱ تا قبل از به بن‌بست رسیدن آن، بخشی از مواضع اصولی روسیه در قبال بحران هسته‌ای ایران بود. روسیه همچنین با ارایه طرح موقت ارسالی اورانیوم از نطنز به روسیه و عودت آن پس از غنی‌سازی و تبدیل سوخت به ایران، تلاش نموده است نقش خود را در روند تحولات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران تحکیم بخشد.<sup>۱۹</sup>

روسیه نشان داده است که به آسانی تغییر موضع می‌دهد و به دنبال امتیازگیری فردی است. روسیه با وجود سیاست اعلانی و همکاری راهبردی با ایران از لحاظ اعمالی، مناسبات خود را به مقتضای نیازهای تاکتیکی سامان می‌دهد. با بهره‌گیری از روابط سرد ایران با غرب، به‌ویژه آمریکا، روسیه در صدد القای این ذهنیت غلط به ایران است که همکاری با این کشور توان سیاسی نامطلوبی را برای آن ایجاد کرده است. روسیه، همانند وضعیتش در مورد عراق، در همکاری با ایران یک بازی پیچیده و دشوار را انجام می‌دهد. در ادامه، شاهد صدور قطعنامه دیگر شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۹۲۹) علیه برنامه هسته‌ای ایران بودیم که روسیه نیز به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت به آن رای مثبت داد. روسیه در بیانیه‌ای، با اشاره به قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد: این قطعنامه یک پیام سیاسی جدی به تهران درباره لزوم همکاری با شورای امنیت سازمان ملل است. قطعنامه جدید شورای امنیت محدودیت‌های مالی و سفری را علیه برخی مقامات و شرکت‌های ایرانی اعمال می‌کند و تحریم‌های پیشین را نیز گسترش می‌دهد. تهران نیز درخواست‌های شورای امنیت در خصوص تعلیق غنی‌سازی اورانیوم را نادیده گرفته و قطعنامه ۱۹۲۹ را نیز رد کرده است. نماینده دائم روسیه در سازمان ملل نیز با اشاره به اینکه تهران برای سال‌ها هیچ مشکلی برای تامین سوخت هسته‌ای مورد نیاز خود برای نیروگاه اتمی بوشهر ندارد و مسکو ارسال این سوخت به ایران را تضمین خواهد کرد، گفت: روسیه همسایه خوب و دوست ایران است. در ادامه شاهد تحریم‌های دیگری در زمینه رسانه‌ای و دارویی از سوی غرب هستیم.

### دیدگاه جدید دولت پوتین به پرونده هسته‌ای ایران

در میان کشورهای مختلف جهان نقش و اهمیت سیاست روسیه در پرونده هسته‌ای ایران از برجستگی خاصی برخوردار است. تنها دلیل این امر دخالت این کشور در اجرای نخستین و مهم‌ترین طرح هسته‌ای ایران در نیروگاه بوشهر نیست، بلکه عضویت آن در هیات حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان یکی از پنج قدرت شناخته شده هسته‌ای و نیز عضویت دایم آن در شورای امنیت از جمله دیگر عوامل اهمیت آن است. از این‌رو، در شرایطی که پرونده هسته‌ای ایران به‌عنوان یکی از موضوعات مهم بین‌المللی در دستور کار آژانس قرار دارد، سیاست‌های روسیه در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است. ولادیمیر پوتین بعد از اینکه برای سومین بار سکان رهبری روسیه را به دست گرفت، در نخستین روز فعالیت خود در کرملین طی فرمانی با عنوان «تدابیری برای اجرای سیاست خارجی روسیه»، با تأکید بر لزوم حل و فصل موضوع برنامه هسته‌ای ایران از راه‌های سیاسی، وزارت امور خارجه روسیه را موظف به حداکثر تلاش در این زمینه نمود. در دستور پوتین آمده است: باید تلاش کرد وضع پیرامون برنامه‌های هسته‌ای ایران صرفاً از راه‌های سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل شود. رییس‌جمهوری روسیه در این فرمان همچنین بر لزوم حل و فصل اختلاف‌ها درباره موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران از طریق برقراری گفت‌وگوها بر اساس اصول گام به گام و اقدام متقابل تأکید کرد. همه این موارد نشان می‌دهد که روسیه نگاه ویژه‌ای به پرونده هسته‌ای ایران دارد. طی روزهای اخیر روابط روسیه و غرب به‌خصوص ایالات متحده آمریکا دچار تنش‌های اساسی شده است. اخیراً مقامات روسیه اعلام کرده‌اند که آمریکا از معیارهای حقوق بشری برای پیشبرد اهداف خود در جهان استفاده می‌کند. از نظر روس‌ها رسانه‌های آمریکایی به ابزارهای ایدئولوژیک این کشور تبدیل شده‌اند. طی چند روز اخیر، مقامات، شخصیت‌ها و رسانه‌های روسی نقض حقوق بشر در آمریکا را مورد انتقاد قرار داده‌اند. از نظر روس‌ها، آمریکا به‌جای بهبود بخشیدن وضع حقوق بشر در کشور خود، بقیه کشورها را محکوم می‌کند. روسیه وارد یک جدال حقوق بشری با آمریکا شده است. روس‌ها دیگر نمی‌خواهند شاهد نقض حقوق بشر از سوی آمریکا باشند. آنها بر این باورند این کشور حق ندارد در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کند. بدین ترتیب، روس‌ها خود را در موقعیتی می‌بینند که

بتوانند نقض حقوق بشر در آمریکا را به مقامات این کشور گوشزد کنند. بدون شک در آینده این جدال حقوق بشری ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. علاوه بر این، نماینده روسیه در سازمان ملل به مناسبت روز سازمان ملل، کشورهای غربی و از جمله آمریکا را به خاطر تلاش‌های یک‌جانبه درباره بحران سوریه مورد انتقاد قرار داده است.<sup>۲۰</sup>

با توضیحات ارایه شده، وارد موضوع ایران و تعارض روسیه و آمریکا بر سر مساله هسته‌ای ایران می‌شویم. سرگی لاوروف در جدیدترین اظهارات خود اقدامات کشورهای غربی علیه ایران را به باد انتقاد گرفته است. این دیپلمات بلندپایه روس در مصاحبه با روزنامه‌های روسی درباره برنامه هسته‌ای ایران گفت: عده زیادی بنه به فکر روسیه، بلکه به فکر ایران هستند. آنها بی‌پرده می‌گویند باید ایران را از نزدیک‌ترین متحد آن یعنی بشار اسد محروم کرد. این وضع باعث تاسف است. وی گفت: اگر با دید وسیع‌تری به این تحولات بنگریم، معلوم می‌شود علاقه‌مندان واقعی به ثبات منطقه و ایجاد شرایط برای شکوفایی آن (که آنجا منابع و امکانات لازم برای این امر وجود دارد)، نباید بر اساس منطق انزوا، که در حق ایران (و در حق سوریه) به کار گرفته می‌شود، بلکه باید بر اساس منطق جلب (به همکاری) رفتار کنند. جای تاسف بزرگی است که شرکای غربی ما بیش از حد منطق انزوا را انتخاب کرده و به اقدامات اجبارآمیز متوسل می‌شوند و با معرفی تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که با شورای امنیت سازمان ملل متحد هماهنگ نشده‌اند، برای سرنگونی رژیم‌ها تلاش می‌نمایند. ما این رفتار را غیرسازنده می‌دانیم. نسخه‌های تحمیل شده از خارج هرگز نتیجه پایداری نخواهند داد. نتیجه مطلوب تنها از راه گفت‌وگو می‌تواند حاصل شود. این دیدگاه ما به‌طور کامل به اوضاع سوریه نیز قابل اطلاق است.<sup>۲۱</sup> وزیر امور خارجه روسیه درباره بحث احتمال حمله اسرائیل و آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران نیز سخن گفته است. در این زمینه سرگئی لاوروف با تاسف اعتراف کرد که تجربه لیبی نشان داد سناریوی نظامی در این زمینه هم می‌تواند عملی شود، که روسیه به همین علت نسبت به همه حرکات در شورای امنیت سازمان ملل متحد دقت کامل از خود نشان می‌دهد. سرگئی لاوروف تاکید کرد: در حال حاضر هیچ سندی وجود ندارد که دال بر اتخاذ تصمیم در ایران درباره بخشیدن «بعد نظامی» به برنامه هسته‌ای باشد. وی اظهار داشت: برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تماماً زیر نظر

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجرا می‌شود. لاوروف تاکید کرد که تولید سوخت با پیمان نامه منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مغایرت ندارد. غنی‌سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد برای راکتور پژوهشی تهران لازم است که لاوروف صحت عمل ایران در این زمینه را هم مورد تایید قرار داد و اظهار تاسف کرد که آژانس نتوانسته است طرح تامین سوخت برای این راکتور از خارج را هماهنگ نماید. وی یک بار دیگر تاکید کرد: همه فعالیت‌های ایران در زمینه هسته‌ای کاملاً مشروع است؛ زیرا به وسیله قرارداد منع اشاعه و مقررات آژانس ممنوع نشده است.<sup>۲۲</sup>

شاید پیچیده‌ترین و سخت‌ترین مشکل قدرت‌های بزرگ نظیر ایالات متحده آمریکا و فدراتیو روسیه با جمهوری اسلامی ایران، مساله قدرت اتمی و فعالیت‌ها و برنامه‌های ایران در راستای انرژی اتمی باشد. مسائل پراهمیت دیگر مثل تروریسم، حقوق بشر و غیره چنانچه رهبران مسئول کشورهای مزبور تصمیم بگیرند این مسائل را مورد توجه قرار دهند، به راحتی قابل حل هستند. اما مشکل پرونده هسته‌ای ایران بسیار ژرف بوده و تبدیل به یکی از مشاجرات عمومی و بین‌المللی شده است. بر این اساس، در این نوشتار سعی شده است به نگرش دو قدرت بزرگ و دخیل در پرونده هسته‌ای ایران؛ یعنی روسیه و آمریکا، در چارچوب رژیم‌های امنیتی بین‌المللی نظیر ان.پی.تی.، IAEA و غیره پرداخته شود. در سال‌های اخیر به خصوص از ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ که موضوع دستاوردهای هسته‌ای ایران در رسانه‌ها مطرح شد، موضوع هسته‌ای ایران جنبه بین‌المللی یافته و باعث حساسیت قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و روسیه شده است. آمریکا به شدت مخالف دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای (خواه صلح‌آمیز و خواه در راستای تسلیحات نظامی) می‌باشد. اوباما اعلام کرده که ما یک ایران هسته‌ای را تحمل نخواهیم کرد؛ چرا که با هسته‌ای شدن ایران شاید دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه در صدد دستیابی به چنین فن‌آوری برآیند. دولت آمریکا اعلام کرده است: برای کشوری که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز می‌باشد، دستیابی به این فن‌آوری لزومی ندارد. در ادامه، هنگامی که سرسختی دولت و مردم ایران را برای حق مسلم خود یعنی فن‌آوری هسته‌ای مشاهده نمود، خواهان تحریم‌ها و افزایش

فشارها از طریق شورای امنیت گردید و تاکنون چندین قطعنامه تحریم را به همراه دیگر متحدانش علیه ایران صادر نموده است. اما سیاست فدراسیون روسیه در خصوص پرونده هسته‌ای ایران سیاستی دوپهلوی و دوگانه می‌باشد. روسیه از یک سو از فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران حمایت نموده و سوخت نیروگاه اتمی در بوشهر را تامین می‌کند و اعلام می‌دارد که مسکو حامی و دوست تهران است، اما از سوی دیگر به هم‌گرایی با آمریکا و غرب پرداخته، و به قطعنامه‌های صادره در شورای امنیت رای مثبت داده است و خواهان افزایش فشارها بر ایران می‌باشد و دولت‌مردان این کشور اعلام می‌کنند که روسیه فقط در چارچوب منافع ملی و اهداف سیاست خارجی خود گام بر می‌دارد. همچنین دادن سوخت نیروگاه بوشهر از سوی روسیه، بهانه لازم را در اختیار آمریکا و دولت‌های اروپایی قرار داده است که ایران از غنی‌سازی اورانیوم باید دست بردارد؛ چرا که سوخت لازم برای راه‌اندازی نیروگاه‌های هسته‌ای را روسیه تامین می‌کند. این مباحث نشان می‌دهد کلیه رژیم‌های امنیتی بین‌المللی نظیر ان. پی. تی. و غیره که توسط صاحبان قدرت تاسیس و تدوین گردیده‌اند، کاملاً تبعیض‌آمیز می‌باشند، و فقط در راستای منافع قدرت‌های بزرگ به نگارش درآمده‌اند؛ این امر در عدم اجازه به حق دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای کاملاً مشهود است.

